



روایتی غم انگیز از ورود اسرای کربلا به شام/ حجاب مطالبه اسرا بود

همزمان با آغاز ماه صفر سال ۶۱ هجری قمری کاروان اسرای اهل بیت (ع) به همراه سرهای بریده و بر نیزه شده شهدای کربلا وارد شام شد.

همزمان با آغاز ماه صفر سال ۶۱ هجری قمری کاروان اسرای اهل بیت (ع) به همراه سرهای بریده و بر نیزه شده شهدای کربلا وارد شام شد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه- مالک پناهی سردی*: ورود کاروان اسرای اهل بیت (ع) همراه سرهای مبارک و بریده شده شهدای کربلا به شام همزمان با یکم صفر سال ۶۱ هجری قمری پس از مشقت و رنج فراوان یکی از تفاسیری است که در روایات فراوان و کتاب زندگینامه امام زین العابدین (ع) آورده شده است.

این کاروان از نوزدهم محرم تا اول ماه صفر، بین کوفه و شام در راه بودند، در این میان قوم ستمگر سر مبارک امام حسین (ع) و نیز زنان و مردان اسیر خاندان را حرکت دادن تا نزدیک شهر دمشق رسیدند. ام کلثوم (س) به «شمر» که از افراد آن قوم ستمگر بود، نزدیک شد و به او گفت: درخواستی از تو دارم! شمر گفت: درخواست چیست؟ ام کلثوم (س) فرمود: اینک به شهر شام رسیدیم، اگر خواستی ما را وارد شهر کنی از دروازه ای ببر که تماشاگر کمتری دارد تا مردمان نظاره گر کمتری باشند و به ما کمتر نگاه کنند و امر کن سرهای شهدا را از میان ما بیرون ببرند و دور کنند و پیش دارند تا مردم به تماشای آنها مشغول شوند و به ما کمتر نگاه کنند زیرا از کثرت نگاه هایشان به ما در این حال خوار و رسوا شده ایم!

«شمر بن ذی الجوشن» خیث و ملعون بر عکس مطالبه حضرت ام کلثوم (س) رفتار کرد و فرمان داد که سرها را بر سر نیزه و در وسط کاروان حرکت دهند.

گزارش سهل بن سعد از واقعه ورود اسرا به شام

«تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی» در پایان قرن نهم هجری در کتاب «المصباح» خویش این چنین آورده است: یکی از گزارشگران صحنه ها و لحظات ورود کاروان اسرای اهل بیت (ع) و سرهای شهیدان به شام «سهل بن سعد» است. وی از اصحاب پیامبر خدا (ص) و امیرمومنان امام علی (ع) و از ۱۷ نفری است که واقعه غدیر را سال ها بعد در جامعه برای امام علی (ع) گواهی دادند. او تا زمان «حجاج» عمر کرد و در سال ۷۴ ه. ق گرفتار شکنجه و آزار حجاج شد. «سهل بن سعد» از جمله کسانی است که حجاج به گردنشان مهر زد تا خوارشان کند و مردم از آنان حرف شنوی نداشته باشند.

وی در سال ۸۸ ه. ق در ۹۱ یا ۹۶ یا ۱۰۰ سالگی درگذشت. گفته می شود، او آخرین صحابه ای است که در مدینه از دنیا رفت و هنگام ورود کاروان اهل بیت (ع) و آوردن سر مبارک سیدالشهدا (ع) به شام در این منطقه بوده است.

او گفته است: به قصد زیارت بیت المقدس از مدینه خارج شدم. در میان راه به شام وارد شدم، شهری دیدم پر آب و درخت و با خانه های بلند و منازل فراوان! دیدم که بازارها را تزئین کرده اند و پرده ها آویخته اند و زینت کرده و شاد و خوشحالند و دف و طبل و ساز می نوازند. با خود گفتم شاید امروز شامیان عیدی دارند که من نمی شناسم! از مردم پرسیدم: آیا در شام عیدی دارید که ما آن را نمی شناسیم؟

گفتند: ای پیرمرد! مگر تو در این شهر غریبی؟! گفتم: من سهل بن سعدم، پیامبر خدا (ص) را دیده ام و از او حدیث شنیده ام! گفتند: ای سهل ما تعجب داریم چرا خون از آسمان نمی بارد و چرا زمین سرنگون نمی شود و ساکنانش را فرو نمی برد؟ گفتم: چرا این گونه شود؟! گفتند: این فرج و شادی برای آن است که سر مبارک حسین بن علی (ع) را از عراق برای یزید هدیه می برند و اکنون می رسد. گفتم: شگفتا! سر حسین (ع) را هدیه می برند و مردم خوشحالی می کنند؟! پرسیدم: از کدام دروازه می آورند؟ مردم به دروازه ای به نام دروازه ساعات اشاره کردند. به سوی آن دروازه رفتم. در آنجا بود که دیدم پرچم های کفر و ضلالت پی در پی آمد، ناگاه دیدم اسب سواری آمد به دستش نیزه سرشکسته ای بود و سری بر آن قرار داشت که شبیه ترین صورت ها به پیامبر خدا (ص) بود. همراه آنها زنانی سوار بر شتران برهنه و بدون جهاز را آوردند.

به یکی از آنان نزدیک شدم و به او گفتم: ای دختر! تو کیستی؟ گفتم: سکینه دختر حسین (ع)! به او گفتم: من صحابه جد شمایم، آیا درخواستی از من داری؟ من سهل بن سعد هستم که پیامبر (ص) را دیده و از او حدیث شنیده‌ام. سکینه گفت: به این بدبختی که سر پدر بزرگوارم را دارد، بگو از بین ما بیرون رود و سر را جلوی ما ببرد تا مردم به دیدن او سرگرم شوند و به ما نگاه نکنند که ما حرم پیامبر (ص) خداییم!

به حامل سر نزدیک شدم و به او گفتم آیا درخواست مرا اجابت می کنی تا در عوض چهارصد دینار بگیری؟ گفتم: حاجت تو چیست؟ گفتم: سر را جلوتر از اهل حرم حرکت بده. سر را از میان زنان بیرون ببر و پیشتر از آنان برو. او چنین کرد و من هم آنچه را وعده داده بودم به او پرداختم.

در این دو گزارش، تنها درخواست اهل بیت (ع) پنهان ماندن اهل حرم از دیدگان مردان نامحرم است. این درخواست دغدغه بزرگ و رنج درونی اهل بیت (ع) را آشکار می کند. آنان از رنج ها و سختی ها و آزارهای فراوان جسمی دژخیمان یزید در اینجا هیچ سخنی نمی گویند و تنها شکنجه روحی و آزار درونی بر اثر نگاه های بیگانگان و مردان بنی امیه در جشن دشمنان هنگام ورود به شام را مطرح می کنند و درصدد مهار این بی احترامی و رهایی از نظرهای تحقیرآمیز بیگانگان هستند.

روز شادی امویان و حزن اهل بیت (ع)

روز ورود کاروان اهل بیت (ع) و سرهای به نیزه شده شهدا به شام روز جشن بنی امیه و روز حزن و اندوه اهل بیت (ع) و پیروان آنان است. «حاج شیخ عباس قمی» در وصف این روز نوشته است: عزاهای و ماتم هایی در عراق بود که امویان در شام از عیدهایشان می شمارند.

گزارش امام باقر (ع)

عبدالله بن میمون قدّاح از امام صادق (ع) از پدرشان امام باقر (ع) چنین نقل کرده است: هنگامی که خاندان امام حسین (ع) را به شام آوردند و بر یزید وارد کردند، روز بود و صورت های زنان و دختران خاندان اهل بیت (ع) باز بود (مکشوفات وجوههن!) شامیان جفاکار گفتند: «ما رأینا سبایا احسن من هولاء فمن انتم؟» ما اسیرانی نیکوتر از اینها ندیده ایم، شما کیستید؟! سکینه دختر امام حسین (ع) گفت: ما اسیران خاندان محمدیم!

با همین جمله همه تبلیغات مسموم و گمراه کننده بنی امیه و یزیدیان پوچ شد. بالاترین عزت و کرامت و عظمت و افتخار از آن آل محمد (ص) است. با همین جمله تهمت خارج از دین بودن به کاروان اسیران اهل بیت (ع) خنثی شد. آل محمد (ص) محور و اساس دین اسلام هستند. قتل و اسارت آنان بالاترین جرم و جنایت در جهان اسلام است. با همین جمله مسلمانان که در جشن یزیدیان حضور داشتند، از مکر و حيله و نیرنگ یزیدیان رهایی یافتند و جرقه های آگاهی و بیداری زده شد. با همین جمله سیمای الهی و فلسفه حرکت اباعبدالله الحسین (ع) و اسارت اهل بیت (ع) نشان داده شد. آل محمد (ص) برای احیای اسلام و ارزشها و سنتهای حضرت محمد (ص) قیام کردند و به شهادت رسیدند و به اسارت رفتند.

شیخ بهایی و حاج شیخ عباس قمی در منتهی الآمال نوشته اند: روز اول ماه صفر سال ۶۱ هجری قمری، روزی است که اسرای کربلا به همراه سرهای شهیدان واقعه کربلا وارد دمشق، مقر حکومت یزید بن معاویه شدند.

منازل عبوری کاروان اسرا از کوفه تا شام

بعد از واقعه عاشورا خانواده حضرت سیدالشهدا (ع) به اسارت درآمده و عبیدالله بن زیاد سر بریده امام حسین (ع) را به «زحر بن قیس» داد و به شام فرستاد و به دنبال آنها حضرت زین العابدین (ع) را زیر غل و زنجیر قرار داده و دست به گردن بسته و اهل بیتش را بر شتران برهنه سوار کرده و روانه کرد.

لشگر ابن زیاد کاروان اسرا را هنگام حرکت به سوی شام از شهرها و روستاهای بسیاری عبور دادند. منازل عبوری کاروان اسرا از کوفه تا شام بدین شرح است: قادسیه، شهر تکریت، منزل کحیله، منزل جهنیه، منزل موصل، منزل نصیبین، شهر حلب، شهر سرمدین، منزل حرّان، منزل اندرین، معرة النعمان، شیزر، قلعه کفر طاب، سیبور، منزل حماة، شهر حمص، شهر بعلبک، صومعه راهب و شهر عسقلان. پس از این منازل اسرا به شهر شام رسیدند.

در روز یازدهم محرم آن بزرگواران را از کربلا به کوفه منتقل کردند. پس از چند روز اقامت اسرا در کوفه آنان را روانه شام کردند تا در مجلس یزید بن معاویه حاضر کنند. بنابر نقل مشهور روز اول صفر اسرا به همراه سرهای شهیدان به دروازه شام رسیدند و به شام منتقل شدند.

به روایت بحارالانوار علامه مجلسی این چنین آمده است: پس از آنکه عیدالله بن زیاد سر امام حسین (ع) را به شام فرستاد فرمان داد زنان و کودکان را مهیای سفر به شام کرده و دستور ویژه ای راجع به امام سجاد (ع) داد مبنی بر اینکه روی غلی که بر گردن او بود غل دیگری قرار دادند و سپس همه را به دنبال سرهای شهدا همراه با محفر بن ثعلبه عائذی و شمیرن ذی الجوشن روانه کرد. کاروان اسرا آمدند تا به جماعتی که حامل سرهای مبارک شهدا بود ملحق شدند.

بنابراین درباره همراه بودن یا نبودن سر مطهر امام حسین (ع) و سایر یاران آن حضرت با اسرا، قول های زیادی وجود دارد. اما قوت این قول یعنی همراهی سر امام (ع) با اهل بیت (ع) در ورود به دمشق با توجه به تعدد ناقلان آن، بیشتر است.

ورود اهل بیت (ع) به شام

در مقتل الحسین علیه السلام عبدالرزاق مقرر چنین آمده است: خبر رسیدن اسرای اهل بیت (ع) به شهر دمشق، یزید احکامی را اجرا کرد از جمله آن احکام این بود: جارچیان در شهر جار زدند سرهای بریده و زنان و اطفال کسانی به شهر وارد می شوند که دشمنان ما بوده و قصد براندازی حکومت عازم عراق بوده اند، که خلیفه زمان ابن زیاد آنها را کشته است. هرکس خلیفه را دوست دارد امروز باید شادی کند.

شامیان نیز سنگ تمام گذاشتند و به خوبی دستور حاکم را انجام دادند. بر فراز بام های خانه ها بیرق های رنگارنگ برافراشتند و در هر معبری بساط شراب پهن شد. همه مردم به یکدیگر تبریک می گفتند. مردم شهر لباس های رنگارنگ پوشیدند و خود را آراستند.

آواز شادی آوازخوانان بلند بود و مردم گروه گروه، شادی کنان به سوی دروازه شهر کوفه رفتند و عده ای از شهر خارج شده بودند. در این روز بود که اهل بیت (ع) را که مصیبت زده و داغدار بودند، همراه با نیزه دارانی که رأس مطهر شهدا را حمل می کردند، به دمشق وارد کردند.

مردم با دیدن خاندان نبوت، دهان به ناسزا گشودند و اهل بیتی که برای نجات اسلام به اسارت گرفته شده بودند را خارجی نامیدند. طبق برخی روایات، اهل بیت (ع) را سه روز در دروازه شهر دمشق نگاه داشتند و سپس وارد شهر کردند.

مدتی که اسیران در شام اقامت داشتند رویدادهای مهم تاریخی به وقوع پیوست که از همه مهمتر می توان به درگذشت دختر خردسال امام حسین (ع) در خرابه شام، مناظره حضرت زینب (س) و دیگر افراد خانواده سیدالشهدا (ع) با یزید و خطبه به یادماندنی امام سجاد (ع) در حضور یزید، درباریان و اهالی دمشق در مسجد اموی اشاره کرد.

این افشاگری ها و مبارزه های پنهان و آشکار اهل بیت (ع) در حالت اسیری، یزید را نزد مسلمانان بی مقدار و بی اعتبار کرد و پس از مدتی، وضعیت شام را بر ضد یزید و به هواداری از امام حسین (ع) تغییر داد.

در شام، حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) در مقاطع مختلف، از جمله در دربار یزید و مسجد شام به افشاگری علیه یزید پرداختند و پیام خون شهیدان کربلا را به بهترین نحو به مردم رساندند، به طوری که مردم شام از واقعیت جنایات سپاه یزید در کربلا آگاه و نسبت به وی و مزدوران او خشمگین شدند.

این موضوع باعث شد که یزید به کلی صدور فرمان قتل امام حسین (ع) و یارانش را تکذیب کند و گناه آن را به گردن عیدالله بن زیاد والی کوفه، بیندازد. همچنین، به دلیل فشار افکار عمومی، یزید مجبور شد پس از چندی، کاروان اهل بیت پیامبر (ص) را به مدینه بازگرداند.

حوادث تاریخی فراوانی در ماه صفر رخ داده است که از جمله آن ها می توان از وارد کردن سر مطهر امام حسین (ع) به

شام، ورود اهل بیت (ع) به شام، ولادت حضرت امام محمد باقر (ع) به روایتی، صدور توقیع امام عصر به حسین بن روح، ولادت امام موسی کاظم (ع)، وفات حضرت سلمان فارسی، شهادت عمار یاسر رضی الله عنه در جنگ صفین ۳۷ هجری، شروع جنگ نهروان ۳۸ هجری قمری یاد کرد.

همچنین، اختیار حکمین در صفین و حيله عمروعاص، شهادت محمد بن ابوبکر به دست عمروعاص، شهادت اویس قرنی در جنگ صفین اربعین حسینی، صدور توقیع شریف امام عصر برای مرحوم شیخ مفید، گرفتار شدن حضرت یونس در شکم ماهی، دستور پیامبر اکرم (ص) لشکر اسامه جهت آماده شدن در جنگ با رومیان، سالروز انقراض حکومت امویان، رحلت جانشوز پیامبر اکرم (ص) در ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری قمری، شهادت مظلومانه امام حسن مجتبی (ع) و شهادت امام رضا (ع) از دیگر حوادث این ماه است.

از اعمال سفارش شده در ماه صفر نیز می توان به توسل به اهل بیت (ع)، صدقه دادن در اول ماه صفر برای دفع بلا و نگرانی، اقامه دو رکعت نماز شامل قرائت یک حمد و ۳۰ مرتبه سوره مبارکه توحید در رکعت اول و در رکعت دوم قرائت یک حمد و سی مرتبه سوره مبارکه قدر اشاره کرد.

همچنین، سفارش شده است تا مسلمانان در ماه های محرم و صفر، حرمت عزای اهل بیت (ع) را حفظ کرده و حتی در مجالس خانوادگی نیز حفظ احترام این ماه را سینه به سینه منتقل کنند.

*فعال دینی و روزنامه نگار